



The Relationship Between Attachment Styles with Positive and Negative Affect in the Elderly: The Mediating Role of Reminiscence Styles

Khodamorad Momeni¹ , Rozita Amani^{2*} , Parisa Janjani³ 
Mohammad Reza Majzoobi⁴  and Kiana Hadian Hamedani⁴ 

¹ Dept. of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

² Dept. of Psychology, Faculty of Economics & Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

³ Cardiovascular Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

⁴ Developmental Psychology and Clinical Psychology of the Lifespan, University of Siegen, Siegen, Germany

Article Info

Article History

Received: 23.10.2021

Accepted: 30.12.2021

ePublished: 31.12.2021

Keywords

Attachment styles, positive affect, negative affect, reminiscence styles

How to cite this article

Momeni, Kh., Amani, R., Janjani, P., Majzoobi, M. R., & Hadian Hamedani, K. (2021). The Relationship between attachment styles with positive and negative affect in the elderly: The Mediating role of reminiscence styles. *Aging Psychology*, 7(4), 407-422.

*Corresponding Author

Rozita Amani

Email

ramani@basu.ac.ir



© The Author(s)

Publisher: Razi University

Abstract

The current study aims to investigate the relationship between attachment styles with positive and negative affect through the mediating role of reminiscence styles in the elderly. This was a correlational study of structural equations modeling (SEM) type. The statistical population included all the elderly aged at least 60 years living in Hamedan province, Iran, among whom 400 (210 men and 190 women) were selected using convenience sampling method. Participants filled out the Collins's Adult Attachment Styles, Oxford Happiness, and Amani et al.'s Reminiscence Styles questionnaires. The results of SEM revealed that the hypothetical model of this study has a good fit in the study sample. As such, secure attachment style had a positive direct relationship with positive reminiscence (PR), and a negative direct relationship with negative reminiscence (NR). Avoidant and ambivalent attachment styles had only a positive direct relationship with NR. In addition, PR had a positive and negative direct relationship with positive and negative affect, respectively, and NR had a negative and positive direct relationship with positive and negative emotions, respectively. Secure attachment style also indicated an indirect relationship with positive and negative affect through both positive and NR. However, avoidant and ambivalent attachment styles were indirectly related to positive and negative affect only through NR. The findings emphasize the significance of the development of internal working models based on the kind of parent-child's reminiscences and narratives, and the lifelong effects of these models.



رابطه سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی در سالمندان: نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی

خداامراد مؤمنی^۱، رزیتا امانی^{۲*}، پریسا جانجانی^۳، محمدرضا مجذوبی^۴
و کیانا هادیان همدانی^۱

^۱ گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
^۲ گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
^۳ مرکز تحقیقات قلب و عروق، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
^۴ گروه روان‌شناسی رشد و بالینی طول عمر، دانشگاه زیگن، زیگن، آلمان

چکیده

شواهد حاکی از آن است که میزان عواطف مثبت در سالمندی کاهش می‌یابد و از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر عواطف سالمندان می‌تواند نقش مهمی در تهیه پروتکل‌های درمانی برای این گروه سنی داشته باشد. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با عواطف مثبت و منفی از طریق نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی در سالمندان انجام شد. روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی سالمندان حداقل ۶۰ سال استان همدان بود که از میان آنها به صورت در دسترس ۴۰۰ (۲۱۰ مرد و ۱۹۰ زن) سالمند به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. اعضای نمونه به پرسش‌نامه‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، عواطف مثبت و منفی واتسون و همکاران و سبک خاطره‌پردازی سالمندان امانی و همکاران پاسخ دادند. نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفروض این مطالعه از برازش مناسبی در نمونه مورد مطالعه برخوردار است. بدین ترتیب که سبک دلبستگی ایمن رابطه مستقیم مثبتی با خاطره‌پردازی مثبت، و رابطه مستقیم منفی با خاطره‌پردازی منفی دارد و سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تنها رابطه مستقیم مثبتی با خاطره‌پردازی منفی دارد. به علاوه، خاطره‌پردازی مثبت به ترتیب رابطه مستقیم مثبت و منفی با عواطف مثبت و منفی داشت و خاطره‌پردازی منفی به ترتیب رابطه مستقیم منفی و مثبتی با عواطف مثبت و منفی داشت. همچنین سبک دلبستگی ایمن، هم از طریق خاطره‌پردازی مثبت و هم منفی، رابطه غیر مستقیمی با عواطف مثبت و منفی نشان داد. سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تنها از طریق خاطره‌پردازی منفی با عواطف مثبت و منفی رابطه غیر مستقیم داشتند. این نتایج بر اهمیت شکل‌گیری الگوهای کارکردی درونی بر اساس نوع خاطره‌پردازی و روایت‌گری بین مراقب و کودک، و اثرات مادام‌العمر این الگوها تأکید دارد.

اطلاعات مقاله

سابقه مقاله

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

چاپ الکترونیکی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها

سبک‌های دلبستگی، عواطف مثبت، عواطف منفی، سبک‌های خاطره‌پردازی

نحوه ارجاع به مقاله

مؤمنی، خ.، امانی، ر.، جانجانی، پ.، مجذوبی، م. ر.، و هادیان همدانی، ک. (۱۴۰۰). رابطه سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی در سالمندان: نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی. *روان‌شناسی پیری*، ۷(۴)، ۴۲۲-۴۰۷.

* نویسنده مسئول

رزیتا امانی

پست الکترونیکی

ramani@basu.ac.ir

زندگی جسمانی و روانی بیشتر ارتباط دارد (هیو و گرابر، ۲۰۰۸). در طول مطالعات سال‌های گذشته، نقش متغیرهای گوناگونی همچون تعامل مثبت با دوستان (ویندسور و آنستی، ۲۰۱۰)، استرس‌های روزانه (مورکزک و آلمیدا، ۲۰۰۴)، فعالیت‌های جسمانی (لی، ۲۰۱۶) در پیش‌بینی عواطف مثبت و منفی در سالمندان بررسی شده است و از همه مهمتر، سبک دلبستگی^۴ به عنوان یکی از متغیرهای مهم در پیش‌بینی عواطف مثبت و منفی سالمندان (کانسدين، ۲۰۱۳) معرفی شده است.

دلبستگی عبارت از پیوند عاطفی عمیق و ارتباطی تأثیرگذار با افراد خاص در زندگی است که افراد در زمان تعامل با آنها احساس شغف و نشاط کرده و عملکردشان را از لحاظ هیجانی مستحکم و روابط متقابل آنها را با دنیای اطراف پیش‌بینی می‌کند (هالیست و میلر، ۲۰۰۵). هازان و شاور (۱۹۸۷) سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را در سه دسته ایمن^۵، اجتنابی^۶ و دوسوگرا^۷ تقسیم‌بندی کرده‌اند. افراد ایمن به سادگی از دیگران کمک می‌گیرند. دلبستگی اجتنابی با مشخصه‌های بی‌اعتمادی، آسیب‌پذیری، حساسیت و مشکلات ارتباطی همبستگی دارد و نشانه برجسته افراد دوسوگرا حساسیت بیش از حد نسبت به عواطف منفی و مظاهر دلبستگی^۸ است، به گونه‌ای که سد راه خودپیروی^۹ آنها می‌شود (بامل و برانت، ۲۰۱۵). سبک‌های دلبستگی بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و نحوه مدیریت روابط بین‌فردی تأثیر می‌گذارد. بر اساس این نظریه، اثرات سبک‌های دلبستگی در تمامی دوران زندگی ادامه می‌یابد و نحوه مقابله فرد با مشکلات بین‌فردی را مشخص می‌سازد (امانی، ۲۰۱۶؛ امانی و همکاران، ۲۰۱۷؛ امانی و مجذوبی، ۲۰۱۱؛ برایان و همکاران، ۲۰۱۲). دلبستگی ایمن هم در گذشته و حال و هم در آینده به عنوان یک منبع محافظ در زندگی برای افراد سالمند به حساب می‌آید (مؤمنی و همکاران، ۲۰۱۱). توانایی ایجاد و حفظ دلبستگی ایمن می‌تواند فرد را در مقابل خسارات جسمی و روانی مثل تحلیل جسمی، کاهش توانایی شناختی و عزت نفس، مرگ همسر، سایر اعضای خانواده یا دوستان در اواخر عمر محافظت کند (بالبی، ۱۹۷۳).

سالمندی فرایندی بیولوژیکی و اجتناب‌ناپذیر است که تمام افراد را درگیر می‌کند (فخاری و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از مسائل مهم قرن حاضر پدیده پیری است. به عبارتی جمعیت جهان به سرعت به سمت سالخوردگی پیش می‌رود (پالتاسینگ و تیاگی، ۲۰۱۲). تحولات اجتماعی، اقتصادی و پیشرفت‌های علمی در سال‌های اخیر موجب افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ مرگ و میر و به تبع آن افزایش چشمگیر جمعیت سالمندان شده است (الیاس و همکاران، ۲۰۱۵). در سال ۲۰۱۰، سازمان جمعیت جهانی^۱ افراد ۶۵ سال به بالا را در سراسر جهان ۵۲۴ میلیون نفر اعلام کرد. پیش‌بینی می‌شود این تعداد که حدود ۸ درصد از جمعیت جهانی را شامل می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به یک و نیم میلیارد نفر افزایش یابد و حدود ۱۶ درصد از جمعیت جهانی را شامل شود و سرعت این رشد در کشورهای در حال توسعه بیشتر است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۱). ایران نیز به عنوان یکی از این کشورهای در حال توسعه از این تغییرات جمعیت مستثنی نیست. طبق گزارش مرکز آمار ایران، جمعیت سالمند ایران از ۶/۴ درصد در سال ۱۹۶۶ به ۹/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده است (یزدانبخش، ۲۰۱۶). یکی از تبعات سالمندی کاهش میزان عواطف مثبت^۲ است (مایرز و داینر، ۱۹۹۵). مطالعات نشان داده است که با افزایش سن، عواطف مثبت کاهش، و عواطف منفی افزایش می‌یابند (پینکوارت، ۲۰۰۱).

عواطف^۳، به عنوان یک واژه کلی، به واکنش‌های ذهنی با ظرفیت مثبت و منفی اشاره دارد که یک فرد در یک زمان خاص تجربه می‌کند. در این تعریف، عواطف یک اصطلاح فراگیر برای اشاره به احساسات و خلقیات است که کارکرد اصلی آن ارائه اطلاعات در مورد وضعیت هیجانی افراد است. در این تعریف، عواطف به دو دسته مثبت که به لذت، عشق، رضایت و خشنودی، و منفی که به ترس، خشم و ناراحتی اشاره دارند، تقسیم می‌شود (بومایستر و بوشمن، ۲۰۱۳). مطالعات نشان داده‌اند که عواطف منفی با متغیرهای اساسی در سالمندان همچون تعارضات شناختی (زینچنکو و همکاران، ۲۰۱۷)، سوء مصرف مواد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱) و حتی مرگ و میر (ویلسون و همکاران، ۲۰۰۳) ارتباط دارند و عواطف مثبت با آشفستگی و افسردگی کمتر، و فعالیتی‌های روزانه و کیفیت

⁴ attachment style

⁵ secure

⁶ avoidant

⁷ ambivalent

⁸ attachment figure

⁹ self-authority

¹ world organization health (WHO)

² positive affects

³ affect

همچون سازگاری (ساتورس و همکاران، ۲۰۱۸)، افسردگی (کریمی و همکاران، ۲۰۱۰؛ وات و کپلایز، ۲۰۰۰)، خاطره پردازی انتقالی بر سلامت عمومی (تاتشل و همکاران، ۲۰۰۴)، و خاطره‌پردازی روایتی بر افزایش شادکامی (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۵) و معنای زندگی (بولمایجر و همکاران، ۲۰۰۸) در سالمندان مؤثر است. مطالعات نشان داده‌اند که سبک‌های دل‌بستگی در شکل‌گیری نوع خاطره پردازی در افراد نقش دارد. برای مثال مولیناری و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد که سالمندان ایمن در مقایسه با نایمن نمره بیشتری در خاطره‌پردازی آموزشی/ انتقالی^۸ کسب کردند. آنها همچنین پی بردند که همبستگی منفی معناداری بین دل‌بستگی نگران و خاطره‌پردازی آموزشی/ انتقالی وجود دارد. به علاوه مشخص شده است که میزان انسجام در مصاحبه سبک دل‌بستگی مادران (که نشانه معتبر دل‌بستگی ایمن) با خاطره‌پردازی تفصیلی^۹ آنها با فرزندانشان و خودپنداره بین‌فردی فرزندان آنها رابطه مثبت معناداری دارد (ریس، ۲۰۰۸).

اگرچه مطالعاتی حاکی از اثربخشی مداخلات مبتنی بر خاطره‌پردازی بر افزایش متغیرهای وابسته به عواطف مثبت (برایانت و همکاران، ۲۰۰۵؛ مجذوبی و همکاران، ۲۰۱۳؛ نوری پورلیاولی و همکاران، ۲۰۱۶؛ وبستر و مک‌کال، ۱۹۹۹)، و کاهش عواطف منفی (مؤمنی و همکاران، ۲۰۱۴) در سالمندان مؤثر بوده است، با این حال مطالعات کمتری به بررسی رابطه بین انواع خاطره‌پردازی به عنوان یک متغیر خودگزارشی با عواطف مثبت و منفی در سالمندان پرداخته‌اند. در این میان یک مطالعه بسیار مهم وجود دارد که در آن سبک‌های دل‌بستگی از طریق سبک‌های خاطره‌پردازی با شادکامی در سالمندان رابطه دارد (مؤمنی و همکاران، ۲۰۲۲). در این مطالعه مشخص شد که سبک‌های دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا از طریق سبک‌های خاطره‌پردازی مثبت و منفی با شادکامی در سالمندان رابطه داشتند. همچنین سبک دل‌بستگی اجتنابی تنها از طریق خاطره‌پردازی منفی با شادکامی در ارتباط بود. بدین ترتیب، افراد ایمن به خاطره‌پردازی مثبت بیشتر و منفی کمتری می‌پرداختند که به نوبه خود با شادکامی بیشتری در ارتباط بود. اما، افراد دوسوگرا به خاطره‌پردازی مثبت کمتر و منفی بیشتری می‌پرداختند که به نوبه خود با شادکامی کمتر در

اگرچه مطالعه کانسدین (۲۰۱۳) رابطه دل‌بستگی با شادکامی در سالمندی را بیان می‌کند، اما، تا جایی که ما می‌دانیم، تقریباً هیچ مطالعه‌ای به بررسی چگونگی این رابطه و اینکه دل‌بستگی از چه راهی بر عواطف مثبت و منفی سالمندان اثر می‌گذارد، نپرداخته است. برای مثال کمری و شیخ الاسلامی (۲۰۱۶) بیان داشته‌اند که در دانشجویان، دل‌بستگی از طریق خوشبینی با شادکامی رابطه دارد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه رسیدند که در کودکان، سبک‌های دل‌بستگی از طریق عزت نفس و حمایت اجتماعی با شادکامی ارتباط دارد. اگرچه مطالعات به نقش عزت نفس، حمایت اجتماعی و خوشبینی در رابطه با سبک دل‌بستگی و شادکامی حکایت دارند اما متغیر سبک‌های خاطره‌پردازی^۱ تا بحال نه در سنین غیر از سالمندی و نه در دوران سالمندی در نقش متغیر میانجی بین سبک دل‌بستگی و عواطف مثبت و منفی مورد بررسی قرار نگرفته است.

خاطره‌پردازی فرایند تفکر یا صحبت در مورد تجربیات و خاطرات گذشته است (کپلایز و همکاران، ۲۰۰۱). وات و وانگ (۱۹۹۱) خاطره‌پردازی را به انواع متفاوتی تقسیم کردند که عبارت است از انسجامی^۲ که در آن سالمند زندگی خود را مرور می‌کند و از تجربیات خود معنا و ارزش خود به عنوان یک انسان را می‌یابد، ابزاری^۳ که طی آن فرد تجربیات گذشته خود را به منظور حل مسأله و تقویت عملکرد حال حاضر خود مرور می‌کند، انتقالی^۴ که دارای عنصر آموزشی است و در آن حافظه برای در میان گذاشتن دانشی خاص مرور می‌شود، گریزی^۵ که شامل یادآوری گذشته و ادراک آن به عنوان دورانی بهتر از حال حاضر می‌شود، وسواسی^۶ که شامل یادآوری دوران منفی و بد زندگی و فکر کردن مکرر به آنها است، و روایتی^۷ که شامل توصیف موضوعات به شکل داستان می‌شود. مطالعات انجام شده پیرامون انواع خاطره‌پردازی نشان می‌دهد، خاطره‌پردازی انسجامی بر متغیرهایی افسردگی، بهزیستی، انسجام، عزت نفس و رضایت از زندگی (ملندز مورال و همکاران، ۲۰۱۵)، خاطره‌پردازی ابزاری بر متغیرهایی

¹ reminiscence

² integrative reminiscence

³ instrumental reminiscence

⁴ transmissive reminiscence

⁵ escapist reminiscence

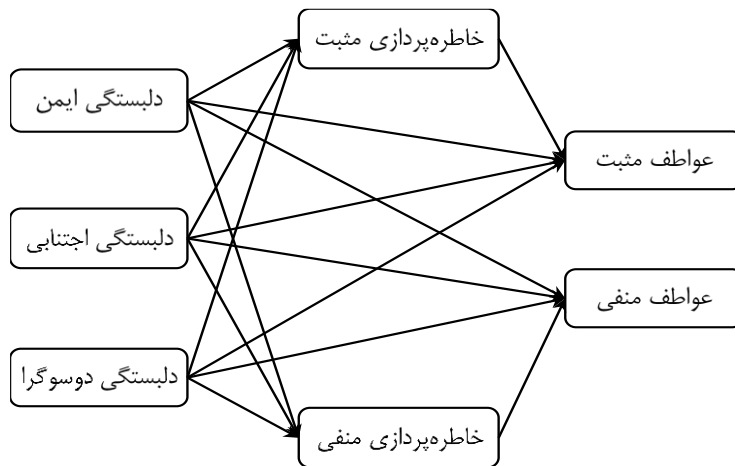
⁶ obsessive reminiscence

⁷ narrative reminiscence

⁸ teach/inform reminiscence

⁹ elaborative reminiscence

ادبیات پژوهشی این حوزه، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با عواطف مثبت و منفی از طریق نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی بود. فرضیه‌های این مطالعه عبارت بودند از اینکه (۱) سبک دلبستگی اجتنابی از طریق خاطره‌پردازی با عواطف مثبت و منفی رابطه دارد، (۲) سبک دلبستگی ایمن از طریق خاطره‌پردازی با عواطف مثبت و منفی رابطه دارد، (۳) سبک دلبستگی دوسوگرا از طریق خاطره‌پردازی با عواطف مثبت و منفی رابطه دارد، مدل مفروض برای رابطه مورد نظر این مقاله در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفروض رابطه سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی از طریق سبک‌های خاطره‌پردازی

معادلات ساختاری غیر منطقی نیست (هومن، ۲۰۱۲). لوهلین^۲ (۱۹۹۲، به نقل از هومن، ۲۰۱۲) بیان می‌دارد که برای مدل‌هایی با دو یا چهار عامل، پژوهشگر باید روی گردآوری دست‌کم ۱۰۰ مورد یا بیشتر از آن مثلاً ۲۰۰ مورد برنامه‌ریزی کند. بنابراین حجم نمونه مورد مطالعه از کفایت لازم برای اجرای تحلیل مسیر برخوردار است. معیارهای ورود به مطالعه عبارت از (۱) سن بالای ۶۰ سال، (۲) تمایل برای شرکت در مطالعه، (۳) عدم تجربه سوگ عزیزان در شش ماه اخیر و (۴) عدم وجود بیماری یا اختلالات بسیار شدید ذهنی بر اساس پرونده پزشکی افراد بود. میانگین سن شرکت‌کنندگان در این مطالعه با دامنه ۶۰ تا ۸۹ سال به طور کلی ۶۷/۲۹ (انحراف معیار=۶/۶۵) بود و میانگین سنی مردان و زنان به ترتیب ۶۸/۱۸ (انحراف معیار=۷/۱۶) و ۶۸/۳۰ (انحراف معیار=۵/۸۹) سال بود.

روش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری مطالعه حاضر شامل تمامی سالمندان با حداقل سن ۶۰ سال استان همدان بودند که از میان آنها به صورت در دسترس ۴۰۰ (۲۱۰ مرد و ۱۹۰ زن) نفر به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. در خصوص حجم نمونه، شایان توضیح است که در تحلیل استیونس^۱ (۱۹۹۶، به نقل از هومن، ۲۰۱۲) در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندگانه با روش معمولی کمترین مجذورات استاندارد را که قاعده سرانگشتی خوب اعلام کرده است. بر پایه این موضوع می‌توان اعلام کرد که چون تحلیل معادلات ساختاری در برخی جنبه‌ها کاملاً مرتبط با رگرسیون چندمتغیری است، تعداد ۱۵ مورد به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده در تحلیل

² Loehlin

¹ Stevens

ابزار

پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان کولینز^۱. این مقیاس که توسط کولینز (۱۹۹۶) ساخته شد، مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به مظاهر دلبستگی را می‌سنجد. این پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس نزدیک بودن (میزان راحتی در رابطه صمیمانه و نزدیکی هیجانی؛ معادل سبک دلبستگی ایمن)، وابستگی (میزان اعتماد فرد به دیگران و تکیه به آنها در زمان نیاز و ادراک او از دردسترس بودن دیگران؛ برعکس سبک اجتنابی) و اضطراب (ترس از داشتن رابطه و نگرانی از طرد شدن؛ معادل سبک دوسوگرا) است. این مقیاس دارای ۱۸ گویه می‌باشد که با یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم سنجیده می‌شود. حداقل و حداکثر نمرات در این پرسش‌نامه برای هر زیرمقیاس به ترتیب ۶ و ۳۰ است و نمرات بالاتر در هر زیر مقیاس نشان دهنده بالاتر بودن میزان آن سبک دلبستگی در فرد است. کولینز میزان آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب در یک نمونه ۱۷۳ نفری، به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ اعلام کرد. در ایران نیز میزان ضریب پایایی با استفاده از روش آزمون مجدد، به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر اجرا شد. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسش‌نامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر، بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای زیرمقیاس‌های وابستگی، نزدیکی و اضطراب در این پرسش‌نامه معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۹ قابل اعتماد است (پاکدامن و خانجانی، ۲۰۱۲). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ سه زیر مقیاس نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۹ و ۰/۷۲ بود.

پرسش‌نامه عواطف مثبت و منفی^۲. این پرسش‌نامه توسط واتسون و همکاران (۱۹۸۸)، به منظور ارزیابی عواطف مثبت و منفی در افراد ساخته شد. این پرسش‌نامه ۲۰ گویه دارد که می‌باشد که با یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد سنجیده می‌شود. هر یک از مؤلفه‌های عواطف منفی و مثبت ده گویه دارد و حداقل و حداکثر نمره در این پرسش‌نامه عبارت از ۲۰ و ۱۰۰ است که نمره بالا در هر مؤلفه به این معنی است که فرد آن نوع عاطفه را بیشتر تجربه می‌کند. کرافورد و هنری

(۲۰۰۴) ضریب پایایی درونی این پرسش‌نامه را برای عواطف مثبت ۰/۸۹ و برای عواطف منفی ۰/۸۵ گزارش کردند. موسوی‌نژاد (۱۳۹۴) نشان داد که پایایی درونی مقیاس بر حسب آلفای کرونباخ برای مؤلفه عواطف منفی ۰/۸۸ و مؤلفه عواطف مثبت ۰/۸۷ بود. در این مطالعه میزان آلفای کرونباخ را برای مؤلفه‌های عواطف منفی و مثبت به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۸ بود.

پرسش‌نامه خاطره‌پردازی سالمندان^۳. این پرسش‌نامه توسط امانی و همکاران (۲۰۱۹) بر اساس پرسش‌نامه وات و وانگ (۱۹۹۱) جهت سنجش میزان و سبک‌های خاطره‌پردازی در سالمندان ایرانی ساخته و اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه دارای ۳۰ گویه است که پنج عامل خاطره‌پردازی روایتی-انتقالی (۸ گویه)، وسواسی (۶ گویه)، انسجامی (۷ گویه)، آمادگی برای مرگ (۵ گویه) و گریزی (۴ گویه) را اندازه‌گیری می‌کند. در این پرسش‌نامه، خاطره‌پردازی مثبت از طریق جمع نمرات دو زیر مقیاس روایتی-انتقالی و انسجامی و خاطره‌پردازی منفی از طریق جمع نمرات سه زیرمقیاس وسواسی، آمادگی برای مرگ، و گریزی به دست می‌آید. مطالعه مجذوبی و همکاران نشان داد که پایایی درونی مقیاس بر حسب آلفای کرونباخ برای کلیه گویه‌ها ۰/۹۰۴ و برای زیرمقیاس‌های روایتی-انتقالی، وسواسی، انسجامی، آمادگی برای مرگ، و گریزی به ترتیب ۰/۹۰۴، ۰/۸۲۶، ۰/۷۹۵، ۰/۸۱۲ و ۰/۷۷۴ بود. در این مطالعه نیز پایایی درونی مقیاس بر حسب آلفای کرونباخ برای کلیه گویه‌ها ۰/۹۰۴ و برای زیرمقیاس‌های روایتی-انتقالی، وسواسی، انسجامی، آمادگی برای مرگ، و گریزی به ترتیب به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۹، ۰/۸۸، ۰/۷۹ و ۰/۸۶ بود.

روش اجرا

پس از کسب مجوزهای لازم جهت انجام پژوهش از مراجع ذی‌صلاح دانشگاه بوعلی سینا همدان، مرحله مقدماتی پژوهش انجام شد. در این مراحل، پرسش‌نامه‌های مطالعه در قالب پرسش‌نامه‌های آنلاین طراحی شدند. سپس با استفاده از یک روش سیستماتیک و کنترل شده، از آن دسته از دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا که در شهر همدان ساکن بودند درخواست شد تا لینک پرسش‌نامه‌ها را در اختیار سالمندانی که حائز ملاک‌های ورود به مطالعه بودند قرار دهند و آنها را در جهت پر کردن

¹ revised adult attachment scale² oxford happiness questionnaire³ elderly reminiscence questionnaire

یافته‌ها

قبل از اجرای تحلیل پیش فرض‌های معادلات ساختاری شامل نرمال بودن توزیع، استقلال خطاها و همخطی چندگانه بررسی شد. برای پیش‌فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش از میزان کجی و کشیدگی استفاده شد که نتایج آن نشان داد توزیع نمرات همه متغیرها نرمال است (دامنه کجی و کشیدگی بین -۱ و +۱ بود). برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد که نتایج نشان از عدم همبستگی بین خطاها داشت ($D.W = 1/82$ ، دامنه بین ۱/۵ تا ۲/۵ قابل قبول است). برای بررسی همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از عامل تورم واریانس (VIF) و تحمل (Tolerance) استفاده شد که نتایج نشان داد عدم همخطی بین متغیرها برقرار است (دامنه VIF کمتر از ۱۰ و تحمل بالاتر از ۰/۱ بدست آمد). پیش‌فرض دیگر برقراری رابطه خطی بین متغیرهای برونزا با میانجی و میانجی با وابسته است که با همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت و نتایج همراه با میانگین و انحراف معیار در جدول ۱ گزارش شده است.

این پرسش‌نامه‌ها راهنمایی کنند. پیش از آنکه افراد به مرحله تکمیل پرسش‌نامه‌ها برسند، اهداف پژوهش برای آنها ارائه شد، توضیحاتی در رابطه با عدم وجود اطلاعات هویتی، رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان ارائه شد، و رضایت آگاهانه آنها برای شرکت در پژوهش توسط دانشجویان مجری این پژوهش اخذ گردید. همچنین معیارهای ورود به مطالعه در قالب سؤالات مقدماتی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد و افرادی که حائز ملاک‌های ورود به مطالعه بودند اجازه دسترسی به پرسش‌نامه‌های اصلی را یافتند. در نهایت با بررسی ۴۱۰ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط افراد، پس از حذف ۱۰ پرسش‌نامه مخدوش (به دلایلی همچون سن خارج از بازه مد نظر این مطالعه، ابتلا به بیماری‌های ناتوان‌کننده روانی و جسمانی، و وجود داده پرت) اطلاعات حاصل از ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه نهایی پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری در نرم افزارهای SPSS-21 و LISREL-9.1 مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱

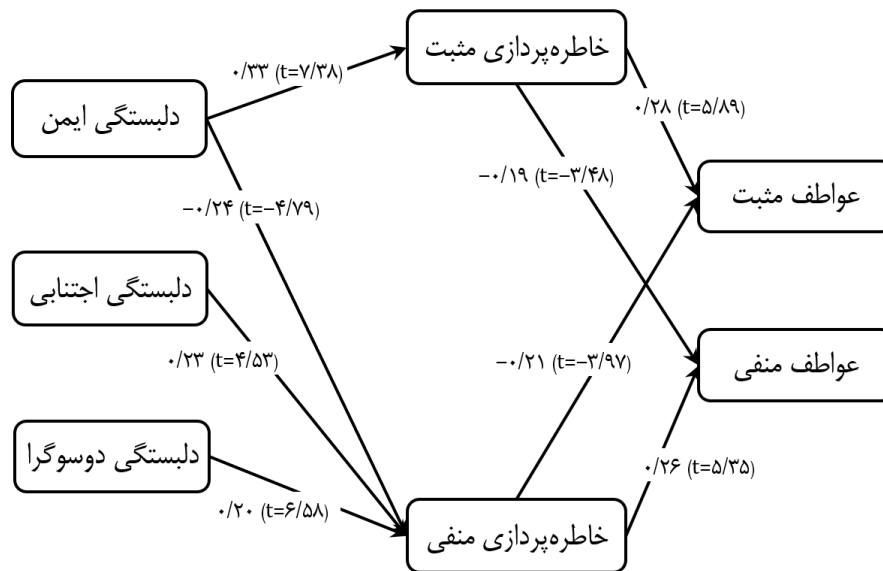
میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	
۱. ایمن	۱۴/۷۶	۴/۲۶	۰/۱۸	-۰/۵۰	۱						
۲. دوسوگرا	۱۰/۰۷	۴/۸۵	۰/۱۵	-۰/۵۶	-۰/۲۱**	۱					
۳. اجتنابی	۱۱/۸۹	۴/۰۳	۰/۰۵	-۰/۶۲	-۰/۳۴**	۰/۲۷**	۱				
۴. خاطره‌پردازی مثبت	۳۵/۱۱	۱۰/۱۷	۰/۱۷	-۰/۰۲	۰/۲۵**	-۰/۱۱*	-۰/۰۱	۱			
۵. خاطره‌پردازی منفی	۳۷/۶۹	۱۰/۴۱	۰/۳۹	۰/۰۴	-۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۲۰**	۰/۳۸**	۱		
۶. عواطف مثبت	۳۳/۶۴	۶/۶۵	-۰/۲۸	۰/۰۳	۰/۳۸**	-۰/۱۵**	-۰/۰۶	۰/۱۶**	-۰/۲۰**	۱	
۷. عواطف منفی	۲۷/۱۲	۷/۱۶	۰/۲۰	-۰/۴۳	-۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۰۴	-۰/۲۲**	-۰/۲۵**	-۰/۲۰**	۱

** $P < 0.01$, * $P < 0.05$

ابتدا جهت تعیین برازش کلی مدل، شاخص برازش مد نظر قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ ارائه شده است. برای شاخص برازندگی X^2/df مقادیر کوچکتر از ۳ مناسب و هرچقدر به صفر نزدیکتر باشد حاکی از برازش خوب الگو می‌باشد. برای شاخص GFI و IFI، CFI، NFI مقدار نزدیک به ۰/۹۰ و بالاتر به عنوان برازش نیکویی قابل قبول تلقی می‌شود که نشان دهنده خوب بودن مدل می‌باشد. در ارتباط با شاخص RMSEA مقادیر

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین غالب متغیرهای مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به بررسی برازش مدل پرداخته شد، بر همین اساس به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، الگوی مدل معادلات ساختاری مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله اول برای بررسی روابط متغیرهای مکنون از برازش کلی مدل و در ادامه ضرایب مربوط به روابط ساختاری (اثرات مستقیم و غیر مستقیم) مورد تحلیل قرار گرفت.



شکل ۱. روابط بین سبک‌های دلبستگی و عواطف مثبت و منفی با میانجی‌گری سبک‌های خاطره‌پردازی

الزام رد کردن الگو است (هومن، ۲۰۱۲). شاخص‌های برازش در جدول ۲ نشان از برازش مناسب مدل دارد.

یا کمتر نشانه برازش خوب الگو و 0.08 یا کمتر بیانگر خطای منطقی تقریب و مقدار بالاتر از 0.10 نشانه

جدول ۲

شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین شده

شاخص‌های برازش	X^2	df	X^2/df	GFI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
بعد از اصلاح	۱۳۰/۵۸	۴۴	۲/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۰۶۶

سوبل بررسی شد که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

معناداری تمامی مسیر در مدل معادله ساختاری با آزمون

جدول ۳

بررسی نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی بین سبک‌های دلبستگی با عواطف منفی و مثبت

P	Sobel's Test	مسیرهای غیر مستقیم
۰/۰۱	۲/۸۵	سبک ایمن ← خاطره‌پردازی مثبت ← عاطفه مثبت
۰/۰۱	-۳/۷۱	سبک ایمن ← خاطره‌پردازی مثبت ← عاطفه منفی
۰/۰۱	-۲/۹۸	سبک ایمن ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه مثبت
۰/۰۱	۳/۵۲	سبک ایمن ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه منفی
۰/۰۱	۳/۹۸	سبک دوسوگرا ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه منفی
۰/۰۱	-۳/۲۵	سبک دوسوگرا ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه مثبت
۰/۰۱	۳/۴۴	سبک اجتنابی ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه منفی
۰/۰۱	-۲/۹۳	سبک اجتنابی ← خاطره‌پردازی منفی ← عاطفه مثبت

مثبت ($Z=2/85, P<0/01$)، و سبک ایمن و عاطفه منفی مثبت ($Z=-3/71, P<0/01$) نقش واسطه‌ای معناداری دارد.

نتایج حاصل از آزمون سوبل در جدول ۳ نشان می‌دهد که خاطره‌پردازی مثبت در ارتباط بین سبک ایمن و عاطفه

که هم رفتارهای پایگاه مطمئن^۵ و هم الگوهای کارکردی درونی وابسته به دلبستگی از تعامل روزانه فرزند-والد پدیدار می‌آید و اگرچه این دو ویژگی به‌طور بالقوه پایدار هستند، قابلیت تغییر در سایه تجارب جدید را دارند (اوپنهایم و واترز، ۱۹۹۵). بر اساس نظریه دلبستگی، افراد مهارت‌های روایتی مهمی را در بافت تعاملات والد-فرزند به دست می‌آورند. بر اساس این دیدگاه، از زمانی که کودکان قادر به حرف زدن می‌شوند، شروع به صحبت در مورد موضوعات و هیجانات مختلف با والدین خود می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، روایت‌های مراقبت‌کنندگان (غالباً والدین) با فرزندان‌شان درباره تجارب دلبستگی و هیجان‌های مرتبط با آن، نقش بسیار مهمی در سازگاری کودکان در ادامه مسیر زندگی‌شان دارد. بر اساس نظر بالبی، تعامل مراقبت‌کنندگان و کودکان الگوی کارکردی درونی این کودکان را شکل می‌دهد که این الگوها به نوبه خود ویژگی‌های اساسی روایت‌های مربوط به دلبستگی^۶ کودکان را تعیین می‌کنند. الگوهای درونی کارکردی، همچنین، راحتی در ارائه روایت‌ها و ارتباط بین‌فردی، و میزان انسجام این روایت‌ها را نیز تعیین می‌کنند.

الگوهای کارکردی درونی شکل گرفته در کودکی ساختار نسبتاً ثابتی هستند که در نوجوانی و بزرگسالی پایدار می‌مانند و رفتارهای افراد را شکل می‌دهند. جنبه‌های اساسی الگوهای کارکردی درونی در حافظه‌های گوناگون افراد (یعنی فرایندی، حسی، معنایی، رویدادی، تلویحی^۷، و کاری) نقش می‌بندند. یکی از مهمترین حافظه‌های افراد در الگوهای کارکردی درونی، حافظه‌های رویدادی و سرگذشتی است (دالوس، ۲۰۰۶). این حافظه که با جمع‌آوری اطلاعات از بخش‌های مختلف مغز به یکپارچه‌سازی شناخت و احساسات افراد می‌پردازد، نقش اساسی را در توانایی افراد برای داستان‌گویی یا خاطره‌پردازی دارد. به عبارت دیگر، شکل‌گیری مهارت‌های روایت‌پردازی و خاطره‌گویی مستلزم یکپارچگی حافظه‌های معنایی، رویدادی، حسی و فرایندی در فرایند شکل‌گیری الگوهای کارکردی درونی کودک از طریق تعامل با مادر و پدر است (دالوس، ۲۰۰۶). در نتیجه، کودکانی که در تعامل با والدین خود از دو شاخصه مهم کارکرد بازتابی (توانایی

همچنین خاطره‌پردازی منفی در ارتباط بین سبک ایمن و عاطفه مثبت ($Z=-3/71, P<0/01$)، سبک ایمن و عاطفه منفی ($Z=-3/71, P<0/01$)، سبک دوسوگرا و عاطفه منفی ($Z=-3/71, P<0/01$)، سبک دوسوگرا و عاطفه منفی ($Z=-3/71, P<0/01$)، سبک اجتنابی و عاطفه منفی ($Z=-3/71, P<0/01$) و سبک اجتنابی و عاطفه منفی ($Z=-3/71, P<0/01$) نقش واسطه‌ای معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با عواطف مثبت و منفی از طریق نقش میانجی سبک‌های خاطره‌پردازی در سالمندان انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفروض این مطالعه از برازش مناسبی در نمونه مورد مطالعه برخوردار است. بدین ترتیب که سبک دلبستگی ایمن هم از طریق خاطره‌پردازی مثبت و هم منفی با عواطف مثبت و منفی ارتباط معناداری داشتند. سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تنها از طریق خاطره‌پردازی منفی با عواطف مثبت و منفی ارتباط معناداری داشتند. بدین ترتیب، هر سه فرضیه مطالعه تأیید شد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، سالمندان با سبک دلبستگی ایمن، بیشتر به سبک‌های مثبت خاطره‌پردازی و کمتر به سبک‌های منفی خاطره‌پردازی تمایل دارند که به نوبه خود با کاهش عواطف منفی و افزایش عواطف مثبت در ارتباط است. این درحالی است که افراد اجتنابی و دوسوگرا دقیقاً برعکس این شرایط را دارند و بیشتر تمایل به سبک‌های منفی خاطره‌پردازی دارند که به نوبه خود با افزایش عواطف منفی و کاهش عواطف مثبت در ارتباط است. یافته‌ها این مطالعه همسو با مطالعات پیشین است (مثل مؤمنی و همکاران، ۲۰۲۲؛ وبستر، ۱۹۹۸).

سبک‌های دلبستگی با خاطره‌پردازی

حساسیت روایت‌ها و بیان خاطرات و محتویات حافظه مثل حافظه رویدادی^۱ و سرگذشتی^۲ در نظریه دلبستگی از جایی آغاز شد که بالبی (۱۹۸۸) تمرکز خود را از نوباوگی و بازنمایی‌های حسی-حرکتی دلبستگی به سمت بازنمایی‌های ذهنی^۳ دلبستگی تحت عنوان الگوهای کارکردی درونی^۴ تغییر داد. بر این اساس، بالبی بیان داشت

¹ episodic

² autobiographical memory

³ mental representation

⁴ internal working model

⁵ secure base behaviors

⁶ attachment-related narratives

⁷ connotative

ایجاد بینش نسبت به خویشتن و زمان حال، و تصویرسازی ذهنی دوران گذشته دو عاملی هستند که در خاطره‌پردازی باعث ایجاد عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی می‌شود. آنها به صراحت بیان می‌کنند که ارزش‌سازی^۲ خاطره‌پردازی در فرار از مشکلات زمان حال و پناه بردن به گذشته نیست، بلکه خاطره‌پردازی ابزاری سازنده برای ایجاد حس بینش نسبت به زمان حال است. سالمندان در این دوره سنی به دنبال در کنار هم قرار دادن مجدد زندگی خود هستند تا آخرین تکلیف تحولی خود را انجام دهند. در واقع خاطره‌پردازی به آنها کمک می‌کند تا دوباره این اجزا را در کنار هم قرار دهند و به نوعی از بینش نسبت به خود و سن و سالی که در آن هستند دست یابند. آنها از طریق خاطره‌پردازی عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه خواهند کرد. از سوی دیگر، تصویرسازی ذهنی رویدادهای مثبت گذشته در ذهن سالمند باعث احیای همان هیجان‌های مثبت در وی می‌شود. آنها معتقدند آنچه در تصویرسازی باعث ایجاد هیجان‌های مثبت در فرد می‌شود تخیل‌سازی درباره خاطرات است و تصویرسازی ذهنی باعث افزایش تخیل‌سازی درباره خاطرات گذشته می‌شود. در تخیل‌سازی درباره خاطرات، جزئیات موجود در آن خاطره که گاهی می‌تواند منفی نیز باشد، به یاد نمی‌آید.

سبک دلبستگی، خاطره‌پردازی و عواطف

بر اساس دو بخش قبلی می‌توان نتیجه گرفت که افراد ایمن از یک سو با داشتن مراقبت‌کنندگانی که تعامل زیادی با آنها داشته‌اند و روایت‌گری و خاطره‌پردازی را در آنها ارتقاء داده‌اند. پس آنها هم از حافظه بهتری برخوردارند و هم توانایی بیشتری برای بیان خاطرات خود دارند و این کار را با مهارت بهتری انجام می‌دهند، که این مهارت، در کنار گشودگی و راحتی بیشتر آنها در ارتباط بین فردی، تمایل کلی آنان برای بیان خاطرات به صورت روایت‌های منسجم و جذاب و دارای ساختار درست (خاطره‌پردازی روایتی) را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر آنها روایات و داستان‌ها را به نحو بهتری بیان می‌کنند. از سوی دیگر، رشد کردن این افراد با والدینی که فضای ایمنی برای آنان فراهم کرده‌اند و پایگاه مطمئنی برای اکتشافات آنها در جهان پیرامون‌شان بوده‌اند، باعث می‌شود که این افراد با شکل دادن الگوهای کارکردی درونی مبنی بر امن بودن جهان پیرامون، با ایمنی بیشتری به جستجوی آن بپردازند،

بررسی و فکر در مورد حالت درونی فرد مقابل) و توانایی‌های فراشناخت (ماین، ۱۹۹۱) که با فرا-تعامل^۱ (تعامل در مورد تعامل به منظور روشن‌سازی سوء تفاهم‌ها و سردرگمی‌ها) در ارتباط است (واتزلویک، ۱۹۶۷) برخوردارند، توانایی بالایی در یکپارچه‌سازی حافظه‌های تجسمی مذکور دارند که به نوبه خود موجب شکل‌گیری مهارت‌های روایتی بالاتر و در نتیجه، ارائه روایت‌ها و داستان‌های منسجم‌تر در آنها می‌شود. به طور کلی، الگوهای کارکردی درونی افراد اجتنابی، دوسوگرا و ایمن با روایت، خاطرات و داستان‌های آنها رابطه تنگاتنگی دارد. بدین ترتیب که افراد اجتنابی معمولاً روایت‌هایی دارند که بر خاموش‌سازی حافظه رویدادی و حذف احساسات استوار است و منتج به روایت‌های خشک و رسمی می‌شود. برخی دیگر از ویژگی‌های اساسی روایت‌های افراد اجتنابی عبارت است از به حداقل‌رسانی تجربیات منفی، و انکار شدید احساسات منفی. در سوی دیگر، افراد دوسوگرا معمولاً روایت‌های گیج‌کننده‌ای دارند که دنبال کردن آنها دشوار است. آنها اطلاعات زیادی در رابطه با احساسات خود می‌دهند و اطلاعاتی که از انواع مختلف حافظه آنها مثل معنایی و رویدادی می‌آید معمولاً ضد و نقیض است و زمان‌بندی درستی ندارند. برخی دیگر از ویژگی‌های روایت‌های افراد دوسوگرا عبارت است از وجود جزئیات نامربوط به بحث، افکار معنایی منفعل که معمولاً به نتیجه‌گیری یا نکته خاصی ختم نمی‌شود، و سیلان ذهن در جریان گفتار، بدون جهت متمرکز و مشخص. در نهایت، افراد ایمن انسجام خوبی بین سیستم‌های حافظه دارند و توانایی خوبی برای یادآوری رویدادهای مثبت و منفی، واکنش نشان دادن به آنها و یکپارچه‌سازی آنها را دارند. برخی دیگر از ویژگی‌های روایت‌های افراد ایمن عبارت است از اختلالات^۲ محدود در گفتار، نه در حد تحریف اطلاعات، تشخیص همزمان تناقضات و افکار جدید، عدم آشفتگی هیجانی در زمان روایت، شفافیت زمان و مکان در روایات، حتی در روایت‌های آشفته‌کننده (دالوس، ۲۰۰۶).

خاطره‌پردازی و عواطف

بریان و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند چند عامل را در ایجاد عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی در سالمندان است که دست به خاطره‌پردازی مثبت می‌زنند. آنها معتقدند

¹ meta-communication

² dysfluency

³ adaptive value

فرزندان در شکل‌گیری الگوهای درونی کارکردی و بقای آن تا سالمندی و نقش آن در نوع خاطره‌پردازی افراد، برخی از عناصر لازم برای ساخت پروتکل‌های در خاطره‌پردازی برای کار با سالمندان را فراهم می‌آورد. یکی از درمان‌هایی که با رویکرد دلبستگی به خاطره‌پردازی شکل گرفته است و یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای افرادی که از این درمان بهره می‌برند مفید باشد، خاطره‌پردازی انسجامی مبتنی بر دلبستگی^۱ (سبیر و همکاران، ۲۰۱۶) است که در آن، پروتکل خاطره‌پردازی انسجامی هایت و هایت (۲۰۰۷) به نحوی تغییر داده شده است که نیازهای دلبستگی افراد در طول زندگی نیز مورد بررسی قرار بگیرد. منطبق نهفته در این روش درمانی این است که مرور صرف خاطرات باعث ایجاد انسجام نمی‌شود و این بیان تجربیات حل نشده مرتبط با دلبستگی است که اثربخشی درمان و میزان ایجاد انسجام در مراجع را تعیین می‌کند. این درمان افراد را به سمت روایت‌های مرتبط با دلبستگی سوق می‌دهد و هدف آن، رسیدن به انسجام از طریق اصلاح دلبستگی^۲ است. به عبارت دیگر، این درمان به دنبال انسجام بخشیدن به آن دسته از تجربیات نامطلوب زندگی است که درون رابطه‌های دلبسته^۳ شکل گرفته است (مجدوبی و فورستمبر، ۲۰۲۲).

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند تلویحات مهم برای پژوهشگران و درمانگران حوزه خاطره‌پردازی انسجامی مبتنی بر دلبستگی در بر داشته باشد. با داشتن شواهد علمی در مورد نوع خاطره‌پردازی‌هایی که افراد با سبک‌های مختلف دلبستگی به آنها می‌پردازند، می‌توان مسیری که این افراد در طول مرور خاطرات خود طی خواهند کرد را پیش‌بینی کرد. برای مثال با تکیه بر شواهد حاصل از این مطالعه و مطالعات مشابه، درمانگران می‌دانند که یکی از دلایل (غیر علی) تجربه عواطف منفی و عدم شادکامی در افراد اجتنابی و دوسوگرا، عدم توانایی آنها در خاطره‌پردازی‌های مثبت مثل خاطره‌پردازی روایتی/انتقالی و انسجامی است و تمایل زیاد آنها به خاطره‌پردازی‌های منفی همچون گریزی، آمادگی برای مرگ و حتی وسواسی. همچنین در این مطالعه، تبیین‌های مستدلی در رابطه با مسیر شکل‌گیری این نوع خاطره‌پردازی در این افراد بر

که به نوبه خود به آنها فرصتی می‌دهد تا تجربیات خود را در قالب بیان خاطرات (خاطره‌پردازی انتقالی) به اطراف خود و نسل‌های آینده انتقال دهند. بدین ترتیب، بالا بودن خاطره‌پردازی مثبت در این افراد باعث می‌شود که هیجانات مثبت بیشتر و منفی کمتری را تجربه کنند. بعلاوه، این افراد به دلیل توانایی بالا در یکپارچه‌سازی شناخت و احساسات خود، کمتر دست به راهبردهای ناسازگاری همچون خاطره‌پردازی منفی برای گریز از هیجانات منفی فعلی و حرکت به سوی مرگ می‌زنند.

افراد با سبک دلبستگی اجتنابی اما، به دلیل برخورداری از الگوهای درونی کارکردی که بر مبنای سطح تعامل پایین و فضای خشک و بی روح میان آنها و مراقبت کنندگانشان شکل گرفته است، تمایل به خاموش‌سازی حافظه رویدادی و سرگذشتی دارند و به دلیل عدم برخورداری از مهارت‌های مناسب بین فردی و عدم تمایل به برقراری رابطه، نه توانایی زیادی برای بیان خاطرات روایتی و داستان‌گونه دارند و نه از تعامل زیادی برای بیان این خاطرات در بافت آن تعاملات برخوردارند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که تمایل آنها برای به حداقل رساندن تجربیات منفی و انکار این عواطف، باعث روی آوردن آنها به خاطره‌پردازی گریزی و آمادگی برای مرگ شود که به نوبه خود می‌تواند باعث شکل‌گیری عواطف منفی در این افراد گردد.

در نهایت افراد دوسوگرا که یک محیط با تناقضات و پیام‌های ضد و نقیض را با مراقبان خود تجربه کرده‌اند، نمی‌توانند روایت‌های خوبی در رابطه با خاطرات خود شکل دهند و توانایی خوبی در ارائه خاطرات منسجم و یکپارچه با یک پیام واضح و مشخص ندارند و پیام‌های آنان در طول بیان خاطرات گاهی ضد و نقیض است و از زمان‌بندی درستی برخوردار نیست. این موضوع می‌تواند به عدم تمایل آنها برای بیان خاطرات روایتی و انتقالی منجر شود و که به نوبه خود با عواطف منفی بیشتر و عواطف مثبت کمتر در ارتباط است.

تلویحات این مطالعه برای درمان

شناخت پایه‌های دلبستگی در شکل‌گیری خاطره‌پردازی در افراد و مرور این فرایند از کودکی تا بزرگسالی و سالمندی، در کنار بیان نحوه ارتباط آن با عواطف مثبت و منفی به درمانگران شاغل در حوزه سالمندان نگاه دقیقی در رابطه با این موضوع می‌دهد. این مقاله با تأکید بر تعامل والدین با

¹ attachment-focused integrative reminiscence

² attachment repair

³ attachment relationships

فرهنگی متفاوت، به شکل‌گیری یافته‌های دقیق و جهان شمول‌تر در این حوزه کمک می‌کند.

سپاس‌گزاری

بدینوسیله از تمام سالمندانی که در مطالعه حاضر شرکت کردند قدردانی می‌شود.

منابع

امانی، ر.، و مجذوبی، م. ر. (۱۳۹۰). پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۳(۵)، ۲۴-۱۳.

امانی، ر.، و مجذوبی، م. ر.، و هادیان همدانی، ک. (۱۳۹۸). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه خاطره‌پردازی سالمندان.

روان‌شناسی پیری، ۵(۴)، ۳۴۵-۳۳۳.

پاکدامن، ش.، و خانجانی، م. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱(۴)، ۱۵-۱.

مجدوبی، م.، مؤمنی، خ.، امانی، ر.، و حجت‌خواه، س. (۱۳۹۱). اثربخشی خاطره‌پردازی ساختارمند گروهی بر ارتقای کیفیت زندگی و شادکامی سالمندان. *مجله روانشناسی تحولی*، ۹(۳۴)، ۲۰۲-۱۸۹.

مؤمنی، خ. م.، امانی، ر.، مجذوبی، م. ر.، و محبی، ز. (۱۳۹۳). اثربخشی خاطره‌پردازی ساختارمند گروهی بر افسردگی و عزت نفس زنان. *علوم رفتاری*، ۱(۳)، ۲۹۴-۲۸۷.

نوری پور لیاولی، ر.، علیخانی، م.، حسینیان، س.، سهیلی‌زاده، س.، و محمدی‌فر، م. (۱۳۹۴). اثربخشی خاطره‌پردازی گروهی بر شادکامی و امید به زندگی سالمندان. *روان‌شناسی پیری*، ۱(۳)، ۱۵۶-۱۴۷.

هومن، ح. ع. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: سمت.

یزدانبخش، ک. (۱۳۹۴). اثربخشی مرور زندگی بر افزایش سازگاری اجتماعی سالمندان بازنشسته. *روان‌شناسی پیری*، ۱(۳)، ۱۸۵-۱۷۹.

References

- Amani, R. (2016). Mother-infant attachment styles as a predictor of aggression. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 4(1), 506-512. <https://doi.org/10.22038/JMRH.2016.6076>
- Amani, R., & Majzoubi, M. R. (2011). The predict of identity styles through attachment styles. *Scientific Journal of*

اساس نظریه دلبستگی و روایت‌هایی که بین فرزند و والد ارائه شده است که می‌تواند درمانگران را در مشخص ساختن متغیرهای مهم در مسیر رشد افراد کمک کند. درمانگران می‌توانند بر اساس مسیرهای مشخص شده در این مطالعه نگاه روشن‌تری به رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های خاطره‌پردازی و یک متغیر دیگر مثل شادکامی داشته باشند. این یافته‌ها ممکن است تلویحات جدیدی برای شکل دادن به پروتکل‌های درمانی که در خاطره‌پردازی انسجامی مبتنی بر دلبستگی به کار می‌رود در بر داشته باشد.

محدودیت‌های مطالعه حاضر

یکی از محدودیت‌های این مطالعه به نحوه جمع‌آوری اطلاعات که از طریق پرسش‌نامه‌های خودسنجی بود برمی‌گردد. اگرچه این پرسش‌نامه‌ها اطلاعات مفیدی در اختیار قرار می‌دهند اما گاهی خود می‌توانند از اعتبار نتایج به دست آمده بکاهند. همچنین، اگرچه در این مطالعه از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است، اما باز هم ماهیت روابط به دست آمده از نوع ارتباطی است و نه علی و به دلیل روش آماری به کار برده شده و مقطعی بودن این مطالعه، برداشت‌های علی از این نوع مطالعه مناسب نیست. به علاوه، این مطالعه بر روی نمونه‌ای از ایرانیان به کار رفته است و به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی عمیق در جوامع شرقی و غربی، باید نهایت احتیاط در تعمیم این یافته‌ها به جوامع دیگر عمل کرد. با این حال لازم به ذکر است که نظریات با ماهیت اکولوژیک، مانند نظریه دلبستگی مربوط به نوع انسان است و تفاوت‌های فرهنگی کمتر از سایر حوزه‌ها در آن نفوذ دارد.

پیشنهادات برای مطالعات آینده

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده از ابزار بسیار دقیق و در محیط با کنترل متغیرهای مزاحم به بررسی رابطه بیان شده در این مطالعه بپردازند. این مطالعات می‌توانند از مصاحبه‌های دلبستگی بزرگسالان برای تعیین سبک دلبستگی افراد، و از کدگذاری خاطره‌پردازی افراد جهت مشخص کردن سبک‌های خاطره‌پردازی که آنها بیشتر تمایل به استفاده از آن را دارند، استفاده کنند. همچنین، مطالعات بعدی می‌توانند از طراحی‌های طولی جهت ارائه رابطه علی بین این سازه‌های روان‌شناختی بهره ببرند. همچنین انجام مجدد این نوع مطالعات در بسترهای

- Clinical Psychology & Personality*, 2(5), 13-24.
http://cpap.shahed.ac.ir/article_2651.html?lang=en [persian]
- Amani, R., Majzoobi, M. R., & Azadi Fard, S. (2017). Mother-Infant attachment style as a predictor of depression among female students. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 5(1), 834-841.
<https://doi.org/10.22038/JMRH.2016.7440>
- Amani, R., Majzoobi, M. R., & Hadian Hamedani, K. (2019). The Construction and validation of the elderly reminiscence questionnaire. *Journal of Aging Psychology*, 5(4), 333-345.
<https://doi.org/10.22126/JAP.2020.3297.1272> [persian]
- Baumeister, R. F., & Bushman, B. (2013). *Social Psychology and Human Nature*. Wadsworth.
- Baumel, A., & Berant, E. (2015). The Role of attachment styles in malicious envy. *Journal of Research in Personality*, 55, 1-9.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jrp.2014.11.001>
- Bayrami, M., Heshmati, R., Mohammadpour, V., Gholamzadeh, M., Hasanloo, H. O., & Moslemifar, M. (2012). Happiness and willingness to communicate in three attachment styles: A Study on college students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46(2012), 294-298.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.109>
- Bohlmeijer, E. T., Westerhof, G. J., & Emmerik-de Jong, M. (2008). The Effects of integrative reminiscence on meaning in life: Results of a quasi-experimental study. *Aging and Mental Health*, 12(5), 639-646.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1080/13607860802343209>
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: vol. 2, Separation*. Basic books.
- Bowlby, J. (1988). *A Secure base: Parent-Child attachment and healthy human development*. Basic Books.
- Bryant, F. B., Smart, C. M., & King, S. P. (2005). Using the past to enhance the present: Boosting happiness through positive reminiscence. *Journal of Happiness Studies*, 6(3), 227-260.
<https://doi.org/10.1007/s10902-005-3889-4>
- Cappeliez, P., Lavallée, R., & O'Rourke, N. (2001). Functions of reminiscence in later life as viewed by young and old adults. *Canadian Journal on Aging / La Revue Canadienne Du Vieillessement*, 20(4), 577-589.
<https://doi.org/10.1017/S0714980800012320>
- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(4), 810-832.
<https://doi.org/10.1037/0022-3514.71.4.810>
- Consedine, N. S., Fiori, K. L., Tuck, N. L., & Merz, E. M. (2013). Attachment, activity limitation, and health symptoms in later life: The mediating roles of negative (and positive) affect. *Journal of Aging and Health*, 25(1), 56-79.
<https://doi.org/10.1177/0898264312466260>
- Crawford, J. R., & Henry, J. D. (2004). The Positive and Negative Affect Schedule (PANAS): Construct validity, measurement properties and normative data in a large non-clinical sample. *British Journal of Clinical Psychology*, 43(3), 245-265.
<https://doi.org/10.1348/0144665031752934>
- Dallos, R. (2006). *Attachment Narrative Therapy*. Open University Press.
- Elias, S. M. S., Neville, C., & Scott, T. (2015). The Effectiveness of group reminiscence therapy for loneliness, anxiety and depression in older adults in long-term care: A Systematic review. *Geriatric Nursing*, 36(5), 372-380.
<https://doi.org/10.1016/j.gerinurse.2015.05.004>
- Fakari, F. R., Hashemi, M. A., & Fakari, F. R. (2013). A Qualitative research: Postmenopausal women's experiences of abuse. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, 57-60.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.06.224>

- Haight, B. K., & Haight, B. S. (2007). *The Handbook of structured life review* (1st ed.). Health Professions Press. <https://www.healthpropress.com/product/the-handbook-of-structured-life-review/>
- Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46-57. <https://doi.org/10.1111/j.0197-6664.2005.00005.x>
- Hooman, H. A. (2012). *Structural equation modeling with LISREL application* (5th ed). SAMT. [persian]
- Hu, J., & Gruber, K. J. (2008). Positive and negative affect and health functioning indicators among older adults with chronic illnesses. *Issues in Mental Health Nursing*, 29(8), 895-911. <https://doi.org/10.1080/01612840802182938>
- Kamari, S., & Shekhaleslami, R. (2016). The Mediating role of optimism on the relationship of individual attachment style with the amount of happiness and their life expectancy. *Applied Research In Educational Psychology*, 2(4), 50-67. https://aep.journals.pnu.ac.ir/article_2282.html?lang=en
- Karimi, H., Dolatshahee, B., Momeni, K., Khodabakhshi, A., Rezaei, M., & Kamrani, A. A. (2010). Effectiveness of integrative and instrumental reminiscence therapies on depression symptoms reduction in institutionalized older adults: An Empirical study. *Aging & Mental Health*, 14(7), 881-887. <https://doi.org/10.1080/13607861003801037>
- Lee, S. (2016). An exploration of antecedents of positive affect among the elderly: a cross-sectional study. *European Journal of Public Health*, 26(1), 187-191. <https://doi.org/10.1093/EURPUB/CKV067>
- Main, M. (1991). Metacognitive knowledge, metacognitive monitoring, and singular (coherent) vs. multiple (incoherent) model of attachment: Findings and directions for future research. In C. M. Parkes, J. Stevenson-Hinde, & P. Marris (Eds.), *Attachment across the life cycle* (pp. 127-159). Tavistock/Routledge.
- Majzoobi, M., Momeni, K., Amani, R., & Hojjat khah, M. (2013). The Effectiveness of structured group reminiscence on the enhancement of the elderly's life quality and happiness. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists)*, 9(34), 189-202. http://jip.azad.ac.ir/article_512233.html?lang=en [persian]
- Majzoobi, M. R., & Forstmeier, S. (2022). The relationship between the reminiscence of relationship-defining memories and marital outcomes: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Family Theory & Review*, November 2021. <https://doi.org/10.1111/jftr.12442>
- Meléndez Moral, J. C., Fortuna Terrero, F. B., Sales Galán, A., & Mayordomo Rodríguez, T. (2015). Effect of integrative reminiscence therapy on depression, well-being, integrity, self-esteem, and life satisfaction in older adults. *The Journal of Positive Psychology*, 10(3), 240-247. <https://doi.org/10.1080/17439760.2014.936968>
- Molinari, V., Cully, J. A., Kendjelic, E. M., & Kunik, M. E. (2001). Reminiscence and its relationship to attachment and personality in geropsychiatric patients. *International Journal of Aging and Human Development*, 52(3), 173-184. <https://doi.org/10.2190/AHJ-GFUX-MW2J-AB1X>
- Momeni, F., Malekpour, M., Molavi, H., & Amiri, S. (2011). Comparison of secure, avoidance/anxiety insecure and anxiety insecure attachment styles between young adults with visual or auditory defects and normal people in Isfahan city. *Journal of Behavioral Sciences*, 8(2), 103-113. <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-173-en.html>
- Momeni, K., Amani, R., Janjani, P., Majzoobi, M. R., Forstmeier, S., & Nosrati, P. (2022). *Attachment Styles And Happiness In The Elderly: The Mediating Role of Reminiscence Styles*. <https://doi.org/10.21203/RS.3.RS-1300760/V1>
- Momeni, K., Amani, R., Majzoobi, M. R., &

- Mohebbi, Z. (2014). The Effectiveness of structured group reminiscence on depression and self-esteem of older women. *International Journal of Behavioral Sciences*, 8(3), 287-294. [persian]
- Mroczek, D. K., & Almeida, D. M. (2004). The Effect of Daily Stress, Personality, and Age on Daily Negative Affect. *Journal of Personality*, 72(2), 355-378. <https://doi.org/10.1111/J.0022-3506.2004.00265.X>
- Myers, D. G., & Diener, E. (1995). Who Is Happy? *Psychological Science*, 6(1), 10-19. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.1995.tb00298.x>
- Nori Pourlayavali, R., Alikhani, M., Hoseynian, S., Soheylizadeh, S., & Mohammadifar, M. (2016). The Effect of group reminiscence on happiness and life expectancy of elderly. *Aging Psychology*, 1(3), 147-156. https://jap.razi.ac.ir/article_329.html?lang=en [persian]
- Oppenheim, D., & Waters, H. S. (1995). Narrative processes and attachment representations: issues of development and assessment. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 60(2), 197-215. <https://doi.org/10.2307/1166179>
- Pakdaman, S., & Khanjani, M. (2012). The Role of perceived parenting in the relationship between attachment and collectivism styles among university students. *Quarterly Social Psychology Research*, 1(4), 81-102. http://www.socialpsychology.ir/article_125005.html [persian]
- Paltasingh, T., & Tyagi, R. (2012). Demographic transition and population ageing: Building an inclusive culture. *Social Change*, 42(3), 391-409. <https://doi.org/10.1177/0049085712454053>
- Pinquart, M. (2001). Age Differences in Perceived Positive Affect, Negative Affect, and Affect Balance in Middle and Old Age. *Journal of Happiness Studies* 2001 2:4, 2(4), 375-405. <https://doi.org/10.1023/A:1013938001116>
- Reese, E. (2008). Maternal coherence in the adult attachment interview is linked to maternal reminiscing and to children's self concept. *Attachment and Human Development*, 10(4), 451-464. <https://doi.org/10.1080/14616730802461474>
- Sabir, M., Henderson, C. R., Kang, S. Y., & Pillemer, K. (2016). Attachment-focused integrative reminiscence with older African Americans: A randomized controlled intervention study. *Aging and Mental Health*, 20(5), 517-528. <https://doi.org/10.1080/13607863.2015.1023764>
- Satorres, E., Viguer, P., Fortuna, F. B., & Meléndez, J. C. (2018). Effectiveness of instrumental reminiscence intervention on improving coping in healthy older adults. *Stress and Health*, 34(2), 227-234. <https://doi.org/10.1002/smi.2776>
- Shaver, P., & Hazan, C. (1987). Being lonely, falling in love: Perspectives from attachment theory. *Journal of Social Behavior and Personality*, 2(2), 105-124. <https://psycnet.apa.org/record/1988-26476-001>
- Tatchell, T., Jordan, T. R., Waite, P. J., & Tatchell, R. H. (2004). Transmissive reminiscence therapy with college students and institutionalized senior adults. *Journal of Intergenerational Relationships*, 1(4), 35-52. https://doi.org/10.1300/J194v01n04_04
- Wang, Q., Wang, Y., Zuo, J., Zhou, Y., Yang, W. F. Z., Liao, Y., Tang, J., Wang, X., Yang, Q., Wu, Q., Wu, H. E., Goodman, C. B., Liu, T., & Zhang, X. (2021). Factors of Negative Affect in Elderly Patients With Substance Use Disorders During COVID-19 Pandemic. *Frontiers in Psychiatry*, 12, 1127. <https://doi.org/10.3389/FPSYT.2021.697472/BIBTEX>
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and Validation of Brief Measures of Positive and Negative Affect: The PANAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(6), 1063-1070. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.54.6.1063>

- Watt, L. M., & Cappeliez, P. (2000). Integrative and instrumental reminiscence therapies for depression in older adults: Intervention strategies and treatment effectiveness. *Aging & Mental Health, 4*(2), 166-177. <https://doi.org/10.1080/13607860050008691>
- Watt, L. M., & Wong, P. T. P. (1991). A Taxonomy of reminiscence and therapeutic implications. *Journal of Gerontological Social Work, 16*(1-2), 37-57. https://doi.org/10.1300/J083v16n01_04
- Watzlawick, P., Beavin, J. H., & Jackson, D. D. (1967). *Pragmatics of human communication*. W.W. Norton & Company.
- Webster, J. D., & McCall, M. E. (1999). Reminiscence functions across adulthood: A Replication and extension. *Journal of Adult Development, 6*(1), 73-85. <https://doi.org/10.1023/A:1021628525902>
- Wilson, R. S., Bienias, J. L., Mendes de Leon, C. F., Evans, D. A., & Bennett, D. A. (2003). Negative affect and mortality in older persons. *American Journal of Epidemiology, 158*(9), 827-835. <https://doi.org/10.1093/AJE/KWG224>
- Windsor, T. D., & Anstey, K. J. (2010). Age differences in psychosocial predictors of positive and negative affect: A longitudinal investigation of young, midlife, and older adults. *Psychology and Aging, 25*(3), 641-652. <https://doi.org/10.1037/A0019431>
- World Health Organization. (2011). *Global Health and Aging*. National Institute on Aging National Institutes of Health. https://www.who.int/ageing/publications/global_health.pdf
- Yazdanbakhsh, K. (2016). Effects of life review on social adjustment of retirees' elderly persons. *Aging Psychology, 1*(3), 179-185. https://jap.razi.ac.ir/article_330.html?lang=en [persian]
- Yousefi, Z., Sharifi, K., Tagharrobi, Z., & Akbari, H. (2015). The Effect of narrative reminiscence on happiness of elderly women. *Iranian Red Crescent Medical Journal, 17*(11).
- Zhang, X., Chen, X., Ran, G., & Ma, Y. (2016). Adult children's support and self-esteem as mediators in the relationship between attachment and subjective well-being in older adults. *Personality and Individual Differences, 97*, 229-233. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.03.062>
- Zinchenko, A., Obermeier, C., Kanske, P., Schröger, E., Villringer, A., & Kotz, S. A. (2017). The influence of negative emotion on cognitive and emotional control remains intact in aging. *Frontiers in Aging Neuroscience, 9*, 349. <https://doi.org/10.3389/FNAGI.2017.00349/BIBTEX>